

علی (ع) در ترانه ملی

○ محمد - احمد پناهی سمنانی

نوشته‌ی حاضر به منظرهایی از سیمای مبارک علی (ع) در ترانه‌های عامه نظر دارد، اما پیش از آن از بیان نکته‌ای ناگزیر است.

زندگی و منش شخصیت‌های اساطیری، تاریخی، مذهبی و ملی در باور عوام، مقوله‌ای پرکشش و عبرت‌آموز بوده و جای تأمل و پژوهش جدی دارد. و در این میان، چهره‌های دینی و مذهبی و به تعبیر دیگر «اولیاءالله» جای ویژه‌ای دارند.

در ادبیات تمام ملل این شخصیت‌ها در مقام نیروهایی شریک در قدرت ماوراءطبیعت و فرا انسانی - یا حداقل برخوردار از بخشی از آن نیروها - نمایان می‌شوند و نقش چاره‌گر و حمایت‌کننده و فریادرس دارند.

برای این پدیده - چنان که می‌دانیم - مفسران ادیان و مذاهب و دین باوران، از یک سو و صاحبان آراء اجتماعی و فلسفی و جامعه‌شناسی - در زمینه‌های مختلف - از سوی دیگر، توجیهاات و تعبیرات و برداشت‌های خاص خود دارند که این نوشته وارد آن آراء نمی‌شود.

ارادت و عشق مطلق ایرانیان؛ به ویژه شیعیان، به حضرت علی (ع) و فرزندان او باعث شده تا آن بزرگواران در میان چهره‌های قدسی صاحب نقش در آفرینش‌های فولکلوریک، سهم بیشتری داشته باشند و در این میان سیمای علی (ع) جایگاه ویژه‌ای دارد.

علی (ع) در ترانه‌ها، به مثابه فریادرس و یاری‌دهنده، حضور همیشگی دارد، اگر چه همچون مراد و مرشد و پیامبرش، یک انسان است اما در اساس، او نماد و نمونه به شمار می‌رود. مردم آنچه در علی می‌جویند و می‌یابند، چیزی برتر و فراتر از الگوها و نمادهای پیرامونشان است. علی را انسانی مثال زدن در جهان آرمانی‌شان می‌شناسند و در دل گرفتگی از «همرهان سست عناصر» است که «شیر خدا ورستم دستان»شان آرزوست. چرا که می‌خواهند خودشان و همه مردم چون علی باشند.

هم از این روست آنکه در پیرامون خود دادرسی نیافته، هم

نکته حساس و جالب در کار او اینکه آنچه به علی (ع) نسبت داده یا از او طلب می‌شود، نه زیاده‌طلبی است و نه مبتنی بر تضرع و لابه و نوحه سرایی. طلب و نیاز، عقل‌پذیر و خردمدار است و به پدیده‌های خرافی و باور‌گریز تمسک جسته نمی‌شود. طلب است و یاری جستن و کمک خواستن شرافتمندانه؛ برای وصال پاکیزه در عشق، نیرو یافتن در کار، برکت در محصول، بارور شدن درخت، جوشش و غلبان چشمه‌سار و کاریز و رودخانه برای سیرابی و زایایی زمین



کیشان و همراهانش گره از کار فروبسته‌اش نگشوده‌اند، با چنین سوز و دردی از علی (ع) و خدای او چاره‌جویی می‌کند:

..... به سوز سینه حیدر

به اشک چشم پیغمبر

مرادم ده همین روزی

دگر طاقت نمی‌آرم^(۱)

یا الاء العالمین دربار کن
یا امیرالمومنین درخواست کن
مشکلی افتاده اندر کار من
بادو انگشت یدالله باز کن^(۲)

سر علی، تَر به خدای می‌کافری تون
نومزد و عقد کرده مه، کجا بری تون؟
سرعلی، ترا به خدای مگر شما کافرید
نامزد و عقد کرده مرا کجا می‌برید؟^(۳)

غمناله‌ها و سروده‌های درد و اندوه، گر چه سهم قابل توجهی در ترانه‌ها دارند، اما یاد و نام سیماهای قدسی و محبوبان خدا بر بسترهای گوناگون از حالات و احساسات برآمده از شادی و سرور نیز جای ویژه‌ای دارند. شمار و مضمون این نوع ترانه‌ها بسیار است و آنچه از این پس می‌آید، گزینه‌ای است از میان انبوهی از گونه‌های مضمونی. این گزینه‌ها شامل: عشق، شوق دیدار، کارآوا، نوروز، کودکانه‌ها و نیاز و طلب است. روشن است که در هر مضمون، نمونه‌ها محدود به آنچه ما آورده‌ایم نیست و با جستجوی بیشتر، شمار بیشتری به حاصل خواهد آمد.

علی (ع) در عشق

در عاشقانه‌ها، نام و یاد علی، فضای عاطفی میان عاشق و معشوق را تلطیف و روحانی می‌کند. عاشق و معشوق ترانه‌سرا یا ترانه‌خوان، در استواری بر عهد و پیمان‌شان، حریم قداست و تبرک نامش را شاهد و گواه می‌گیرند و بر استواری عهد خویش، با نام او سوگند می‌خورند:

به قرآنی که خطش ناشماره
به مولایی که تیغش ذوالفقاره
سراز سوادای عشقت برنذارم
که تا دین محمد، پایداره .

وَلَمْ تَأْتِ نِيَابِي مَوْخَنَدَم
نَه سَرْمَه چَش كَنَم، نَه سَر بِنَدَم
قَسَم خُورَدَم سَرشَاه ولَايَت
بِجَاي اسَب شَاهِي، خَر نَبِنَدَم

ببُو جُونَم كَه جُونَت بِي بِلَا بَا
تَن نَازِپُورَت دُور از بِلَا بَا
تَن نَازِپُورَت رُوزِي الَاهِي
بِغَل گَبِرَت عَلِي مَرْتَضِي بَا
(بِغَل گَبِر: دَسْتگَبِر، حَمَايَت كَنَنَدَه)

سرکوی بلن دیدم «شرف» ر
کمر باریک و باز و بن صد ر
اگر بار دگر بینم «شرف» ر

زیارت می‌کنم شاه نجف ر

بیا دلبر، بنای دلبری کن

دکون واکون، بنای زرگری

اگر مهر علی در سینه داری

محبت چند روزی بیشتری کن

حقیقی‌ها

گونه‌ای از ترانه‌ها از نظر محتوی و مضمون به مدح و توصیف چهره‌های قدسی اختصاص دارند. در «سده بیرجند» این نوع ترانه‌ها را «حقیقی» می‌نامند. حقیقی‌ها، صرفاً در حق و حقیقت، مدح و منقبت اولیای دین، پیامبر اکرم (ص) و بالخصوص حضرت علی (ع) می‌باشند.^(۴) این نام‌گذاری که در نقاط دیگر ایران به آن اشاره‌ای نشده، تسمیه جالب و مناسبی است. در حقیقی‌ها، علی بیش از دیگر سیماهای قدسی در چشم‌انداز ترانه‌سرا و ترانه‌خوان جلوه‌گر می‌شود:

در این گلزار بوی گل میبایه

صدای چهچه بلبل میباید

چه غم داری دگر، در وقت مردن

همون ساعت صدای دلبل میبایه^(۵)

امام اولم اومد به میدان

مالیک بر سرش می‌خواند قرآن

همون نام محمد در کتابیه

علی از جانب پلور دکاره^(۶)

(پلوردگار = پروردگار است.)

گفتنی است که در «حقیقی»ها، سراینده یا خواننده ترانه، جز شوق لقای علی، هیچ تمنایی ندارد. او را در بوی گل و صدای بلبل می‌جوید:

سرانداز امیر و گوشه پل

قدمگاه علی، جا سم دلل

عرق از چهره سرخ محمد

چکبیه بر زمین، پیدا شده گل^(۷)

سحر سنبل دمید و لاله سر زد

لجام نقره براسب کهر زد

لجام نقره و زین مرصع

امیرالمومنین دس ور کمر زد^(۸)

بهار اومد، بهار اومد، خوش اومد

علی بانوالفقار اومد، خوش اومد

علی با ذوالفقار، قمبر جلو دار

که سنبل لاله زار اومد، خوش اومد^(۹)

دَل نِوم خِدا رَ مِیگَه گلزار

دوازده انبیا رَ مِیگَه گلزار

دوازده انبیا و سروردین

علی شیر خِدا رَ مِیگَه گلزار^(۱۰)

(واژه‌ها: دَل: در دل . رَ: را . مِیگَه: می‌گوید)

علی (ع) را در خواب دیدن، مضمون دیگری است که در حقیقی‌ها تکرار شده است:

علی دیدم، علی در خواب دیدم

علی در مسجد و محراب دیدم

علی دیدم سوار دلش بود

چو قنبر در کنارش می‌دویدم^(۱۱)

مسلمانون من دوستان علیمه

دوازده تن امامه خوبیدمه

حضرت فاطمه بالش سرینه

محمد صل علی سرور دینه

برگردان:

مسلمانان، من از دوستان علی هستم

دوازده تن امام را در خواب دیدم

زیر سر حضرت فاطمه بالش بود

محمد صل‌الله، سرور دین است^(۱۲)

در کار آوا

بخش جذاب و پرحرکت در ترانه‌هایی که نام علی را با خویش دارند، به کار؛ کار بدنی و فیزیکی تعلق دارد.

در کار آوا، علی (ع) حضوری برکت خیز و نیروبخش دارد. آنگاه که زمین را شخم می‌زنند، بذر می‌پاشند، آبیاری می‌کنند، درو می‌کنند و خرمن می‌کوبند، محصول را برمی‌دارند و تقسیم می‌کنند، نام و یاد علی و فرزندان او را در کارشان شرکت می‌دهند. گندم‌کاران روستای «سامیه samiyye» در دهستان شبانکاره شهر برازجان برای وزن کردن گندم، شبی خوش یمن را در نظر می‌گیرند کسی که مسؤول پیمانه کردن گندم است و تسبیحی در دست دارد، از نام علی (ع) شروع می‌کند و هر پیمانه گندم را با نام یکی از امامان از خرمن برمی‌دارد و در جوال یا ظرف صاحب سهم می‌ریزد:

امام اولم خوانم علی را

امام دومم خوانم حسن را

امام سومم شاه شهیدان...^(۱۳)

اساساً در بیشتر آیین‌های تقسیم محصول، قاعده شمارش و کیل کردن گندم و محصولات مشابه چنین رسمی رایج است. سیستمی‌ها، ترانه‌ای با وزن هجایی هنگام کیل کردن گندم می‌خوانند که دارای ساختاری کمابیش مشابه ترانه یاد شده است:

کیل اول: یک، خدا یکی است

کیل دوم: دو، محمد رسول خداست

کیل سوم: سه، علی ولی خداست....

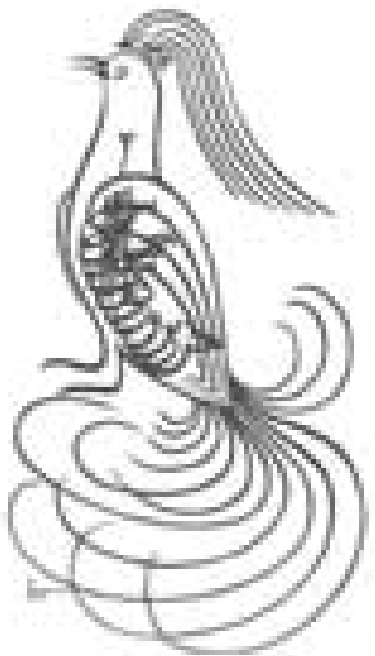
مصراع‌های بعدی، مضامین متفاوت دارند:

کیل چهارم: چهار، برکت خدا بسیار....

اماد ر کیل دهم، باز نام محمد (ص) و علی، حسن ختام یک دوره از کیل کردن است:

کیل دهم: ده هزار بیشتر شود، دین محمد از کرم علی^(۱۴)

نکته حساس و جالب در کارآوا اینکه آنچه به علی (ع) نسبت داده یا از او طلب می‌شود، نه زیاده‌طلبی است و نه مبتنی بر تضرع و لایه و نوحه‌سرای. طلب و نیاز، عقل‌پذیر و خردمدار است و به پدیده‌های خرافی و باورگریز تمسک جسته نمی‌شود. طلب است و یاری جستن و کمک خواستن شرافتمندانه؛ برای وصالی پاکیزه در عشق، نیرو یافتن در کار، برکت در محصول، بارور شدن درخت، جوشش و غلیان چشمه‌سار و کاریز و رودخانه برای سیرابی و زبایی زمین. و این همه موهبت خالق است و



حق مخلوق؛ که اگر عوامل اهریمنی شناخته یا مرموز و ناشناخته -تحقق این حق را مانع شوند، علی(ع) باید با نیروی یباللهی وارد عرصه شود و حق را به کرسی بنشاند.

در شدت و دشواری کار، نام علی بوی سببی است که خستگی را از تن دور می‌سازد. درآیین «جوی روبی و بیل گردانی» در «بیمه ور» هرگاه که مردم شرکت‌کننده در این «کارآیین» جمعی، احساس خستگی و درماندگی کنند، یکی از بیلدارها که صدای نسبتاً خوشی نیز دارد، سرودی می‌خواند و دیگران او را همراهی می‌کنند:

خواننده: اگر ناتوانی بگو یا علی

جمعیت: یا علی

خواننده: اگر خسته جانی بگو یا علی

جمعیت: یا علی

خواننده: چو بینی تنت را به دام بلا

مترس از بلا و بگو یا علی

جمعیت: یا علی^(۱۵)

فضای روحانی که به این شیوه در کارآوا سایه می‌افکند، نه خشک و حزن آلود، که مفرح و نشاط آفرین است، کارآویی و کارورزی را فرا می‌برد.

زنان لوییچین اردکان، هنگام کار دسته‌جمعی در مزرعه، ترانه‌هایی که آمیزهای از شوخی‌های دوستانه دارد می‌خوانند که در آنها از علی(ع) یاری و قوت بازو طلب شده است:

سرخوان: هیلا، هیلا

زنان: هیلا، هیلا

سرخوان: هیلا، هیلا

ورم رفت به بلا

به توفیق بارالله

هرکس نگو هیلا

ننهش بمیره شالا

زنان: هیلا، هیلا...

سرخوان: چه باد خنکی بی

چه لوییچی تنکی بی

هیلا و یا علی یاور

تش افتاده سماور

زنان: هیلا، هیلا...^(۱۶)

(واژه‌ها: هیلا: هی یالله، شالا: انشاءالله، تش: آتش، بی: باشد، نگو: ننویسد)

ترانه‌خوان و ترانه‌سرا، که کار، مایه و پایه‌ی اصلی زندگی اوست، خود را به طور مطلق به «امید علی (ع)» رها نمی‌کند و خوب می‌داند که علی (ع) از آسوده‌طلبان و کارگريزان و تن‌پروانی که به حساب دسترنج دیگران زندگی می‌کنند، بیزار است، حتی اگر ستایشگر و مداح او باشند، چرا که علی، خود ارج گذار و دوستدار کار است و از کار - اگر چه در نخلستان جهودان باشد- تن نمی‌زند. برای او گوارا و پسندیده است که رنج‌مایه و مزد کار خود را قوت و لقمه‌ی کودکان یتیم و مردان و زنان بی‌کس و از کار افتاده کند.

چنین است که به روایت ترانه، روستایی همچنان که کار می‌کند، عشق و مهر علی را در سینه و خیال می‌پرورد و قوت بازو برکت تولید و دستاورد خود را از او می‌طلبد. تجلی این الفت را می‌توان از ترانه زیر، که زنان عشایر الیکالی گرمسار هنگام کار طاق‌ت فرسای مشک زنی می‌خوانند، دریافت:

آی مشکم و آی مشکم

امیرالمومنین تخنه چخا چاخ....
امیرالمومنین مولای قنبر
مینوبور، دلده، یا نندا قنبر
سیزون بو تازه بایراموز مبارک^(۱۷)

نیاز و طلب

در برخی ترانه‌های طلب - شامل طلب باران یا قطع آن، طلب آفتاب یا ابر شدن هوا، طلب باد برای بوجاری خرمن و.... - ترانه خوان از علی(ع) تحقق خواسته خود را تقاضا می‌کند. ترانه‌های طلب پرشمارند و ما به بخشی از یک ترانه بیرچندی که در طلب باران است، بسنده می‌کنیم:

آتلو و متلو

ای خدا برو ک

بروی او شلوک

تلوی ما تشنه شده...

یا رب بده تو برو

به حق شاه مرد و....

برگردان:

اتلو و متلو

ای خدا باران کن

باران آبشاران کن

تلوی ما تشنه است

یا رب بده تو باران

به حق شاه مردان^(۲۰)

هم روغن و هم کشکم...

برکت بده خدایا

نذری دهم به ولا

پن سیر روغن به نذر

آقام علی می‌کنم

خرچی دهم برای

امام اولی را

علی علی مشکونم

یک من روغن کشکولم

علی علی جانم

علی علی جانم...^(۲۱)

در نوروز خوانی‌ها

چنان که می‌دانیم از جمله آیین‌های ایران باستان که در ایران پایدار مانده و رنگ و بوی اسلامی به خود گرفته است، آیین نوروز است. در باور مردم، تولد حضرت علی (ع) و نیز روز جلوس او به خلافت اسلامی با نوروز تقارن داشته است. به این باور در جای جای ادبیات فارسی هم اشاراتی شده است، هانف اصفهانی می‌گوید:

همایون روز نوروز است امروز به فیروزی

براورنگ خلافت کرد شاه لافتی، ماوا

در ادب عامه، به ویژه در ترانه‌های نوروزی هم به این تقارن اشاره شده است:

علی آن ماه اولیا

آقای ما مشکل گشا

باشد ترا پشت و پناه

نوروز سلطان آمده

گل در گلستان آمده

شاید مصرع «نوروز سلطان آمده» که به تقریب در بیشتر نوروزخوانی‌های مناطق مختلف ایران، ترجیع‌بند شعرهای نوروزخوانان است، اشاره به همین تقارن روز خلافت علی(ع) با نوروز باشد.^(۲۲)

تکم خوان‌های آذری (= تکم چی‌ها) در نمایش‌های نوروزی که به آن «تکم گردانی» نام داده‌اند، شعرهایی می‌خوانند که از علی(ع) و جلوس آن بزرگوار براورنگ خلافت اسلامی یاد شده است:

..... سیزون بو تازه بایراموز مبارک

آیوز، ایلوز، هفتوز، گونوز مبارک....

در کودکانه‌ها

در نغمه‌های مادران برای خواب کردن، نوازش و سرگرمی و بازی کودکان - که آن همه را باید کتاب پرورش سنتی کودک در فرهنگ ملی نامید سیمای علی (ع) بازتاب دارد.

مادر، علی را دوستدار و حامی کودک و یار و یاور خانواده می‌داند و آنگاه که می‌خواهد جگر گوشه‌اش را به خواب بسپارد، او را به لطف و حمایت علی (ع) امیدوار می‌سازد:

لالا لالا بکن که خوابت آیه

علی شیرخدا، فریادت آیه^(۲۳)

لالا لالا علی گویم

که لالا بر تو می‌گویم

علی برتر، علی سرور

علی داماد پیغمبر^(۲۴)

در زمزمه به خواب کردن کودک، یاد همسر - که به سفر رفته - فریاد مادر می‌آید و از علی(ع) می‌خواهد که پشت و پناه و یاری‌دهنده پدر کودکش باشد:

لالا لالا گل خشخاش

بابات رفته خدا همراش

خدا همراه و یارش بو

علی پشت و پناهش بو^(۲۵)

گاه از زمزمه مادر، قصه‌ای پدید می‌آید از سفری رویایی برای دیدار علی:

لالا لالا لالا لالا

شبی رفتهم به دریایی

در آوردم سه تا ماهی

یکی اکبر، یکی اصغر

یکی داماد پیغمبر

که پیغمبر دعا می کرد

علی ذکر خدا می کرد

علی کنده در خیبر

به حکم خالق اکبر... (۳۳)

مادر ملایری، از نام «علی» برای بیدار کردن کودک هم استفاده می کند:

لا لا لا کنم خووت کنم مه

علی بووم و بیارت کنم مه

برگردان:

لا لا لا بگویم و خوابت کنم من

علی بگویم و بیدارت کنم من

کودکانها از این چشم انداز زمینه‌های دیگری هم دارند، مثلاً در روستاهای پیرامون تربت حیدریه وقتی بخواهند قنلاق کودک را عوض کنند او را روی زمین می خوابانند و کف دست‌ها را از دو طرف روی زمین می کوبند و خطاب به کودک آرزو می کنند که:

درد و رنجت ور زمی

فرشته‌ها رد خو بینی

به حق اولاد علی

تل تل گش ور دری

عقل و هش ور دری (۳۵)

برگردان:

درد و رنجت به زمین بریزد

فرشته‌ها را در خواب به بینی

سوگند به فرزندان علی (ع)

گوشت به تنت بنشیند

از عقل و هوش برخوردار شوی

در قصه‌های منظوم

در ترانه‌های قصه‌گونه، علی و فرزندان او موضوع اوسانه‌ها و شعرهای سرگرمی و بازی کودکان هستند:

رفتم، رفتم به صحرا

دیدم یکی به تنها

گفتم: چه داری در بغل؟

گفتا: کتابی پرغزل

گفتم: بخون تا گوش کنم... .

به کشید تا بکشم اسب علی

تا علی سوار بشه

رو خونه خدا بشه... .

خدای زمین و آسمون

یا علی جون مهریون

در بازی

در بازی‌های محلی فارس هنگام یارگیری و انتخاب «اوسا»ی بازی، از نام علی آغاز می کنند.

بازیکن: علی علی

اوسا (یا طرف بازی): گلاب به جمال علی

یا در ممسنی می گویند:

کی ایخوا اسب علیته؟

کی ایخوا زین زرینه

چه کسی اسب علی را می خواهد؟

چه کسی زین زرین را می خواهد؟ (۳۶)

در نغمه‌های مادران برای خواب کردن،

نوازش و سرگرمی و بازی کودکان، -

که آن همه را باید کتاب پرورش سنتی

کودک در فرهنگ ملی نامید-

سیمای علی (ع) بازتاب دارد

در سرور و شادی

و سرانجام در سرور و شادی و در لحظات شور و شادابی زندگی، علی (ع) در یادها نشسته است.

در خراسان، خانواده‌های مذهبی در شب عروسی، ساز و ضرب به کار نمی‌برند اما = آتو = زن روضه‌خوان = اشعار سنگینی می‌خواند که مضمون آنها از تواج حضرت علی (ع) با دختر پیامبر (ص) است:

بادا مبارک بر جمله یکسر

از بهر عیش، خاتون محشر... .

گفتا به لقمان، آن حی داور

بندید و عقد زهرا به حیدر

یاران بگویند با دیده‌بوسی

بادا مبارک، عیش عروسی

در آخرین بند این ترانه مفصل، که ضرباهنگ ترانه تند و تندتر می‌شود، شعرها همه در وصف علی است:

عیش ولی داور است، یاران مبارک باد

ساقی حوض کوثر است، یاران مبارک باد

تبخش به فرق کافراست، یاران مبارک باد

باب سریر و سرور است، یاران مبارک باد

شوهر زهرای اطهر است، یاران مبارک باد

این عم پیغمبر است، یاران مبارک باد

از همه کس او بهتر است، یاران مبارک باد (۳۷)

درواسونک‌های شیرازی - ترانه‌های ویژه عروسی - وقتی که عروس و داماد را به حجله می‌فرستند، برای بیان صدق و صفای خود، علی (ع) را گواه می‌گیرند: کی به حجله؟ کی به حجله؟ شازده دوماذ بازنش... .

صبح صادق بارشیم تا غنچه گل واکنیم

ما که صلق صاف داریم، با علی سودا کنیم.

پانویست‌ها:

۱ - نقل ترانه از: ترانه‌های محلی فارس، صادق همایونی، بنیاد فارس‌شناسی، شیراز، ۱۳۷۹، ص ۴۸۵.

۲ - نیرنگستان: صادق هدایت .

۳ - بیتی از یک ترانه لری ممسنی، نقل از ترانه‌های محلی فارس، همان، ص ۴۶۸.

۴ - بنگرید به: ترانه و ترانه‌سرایی در ایران، پناهی سمنانی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۹۷.

۵ - ترانه‌های محلی فارس، همان، ص ۴۸۲.

۶ و ۷ - ترانه‌های محلی فارس، همان، ص ۳۳۰ و ۲۱۷ - ترانه اخیر چندین روایت دارد، از جمله:

شب شنبه بر قدم بر سر پل

قدمگاه علی باسم دلیل

عرق از سینه پاک محمد

چکیده بر زمین پیداشده گل

۸ - ترانه‌های محلی ملی ایران، پناهی سمنانی، ۱۳۶۸، ص ۳۹.

۹ - ترانه‌های محلی فارس، همان، ص ۱۲۸. این دو بیتی با اندکی تفاوت در ترانه‌های بیرجند هم آمده و مصرع پایانی آن چنین است: به سیل لاله‌زار اومد خوش اومد.

۱۰ - شعر دلبر، دوبیتی‌های عامیانه بیرجندی، تدوین محمدمهدی ناصح، انتشارات محقق، مشهد، ۱۳۷۹، ص ۱۵۴ - آوانوشت این دو بیتی در همین کتاب آمده است.

۱۱ - ترانه‌های محلی فارس، ص ۲۵۲. این ترانه با اندکی تفاوت در دوبیتی‌های تربت جام هم آمده است. (ر.ک): ترانه‌های تربت جام و نیز: ترانه‌های ملی ایران، همان، ص ۷۰.

۱۲ - نقل ترانه مازندرانی از: نغمه‌های مازندرانی، محمداقبر نجف زاده بارفروش (م.روجا)، حوزه هنری تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۹۱. آوانوشت ترانه در همین کتاب آمده است.

۱۳ - گوشه‌هایی از زندگی مردم دهکده سمیه، مصطفی صدیق، هنر و مردم، ش ۱۵۸.

۱۴ - ایل‌ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران؛ ایرج افشار سیستانی، ج ۲، صص ۷۵۲ و ۷۵۳.

۱۵ - این آیین مفصل و جذاب را در مقاله دکتر مرتضی فرهادی، زیر عنوان «جوی رومی و بیل گردانی در نیمه ور»، نامه فرهنگ ایران، به کوشش فریدون جنیدی، بنیاد نیشابور، بهار ۱۳۶۴، بخوانید.

۱۶ - برای دیدن متن کامل این ترانه ر.ک: ترانه‌های دختران هوا؛ زنانه‌ها در شعر عامیانه ایران، پناهی سمنانی، نشر ترنم، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹-۱۶۰.

۱۷ - بنگرید به: ترانه‌های دختران هوا، همان، ص ۱۶۶، برگرفته از: علیرضا شاه حسینی، ابزار و ترانه‌های کار در عشایر الیکایی گرمسار، فصلنامه ذخایر انقلاب، ش ۱۰، بهار ۷۸.

۱۸ - در نمونه‌های متعدد از نوزادخوانی‌ها - مثلاً در روستای آلاشت، در دماوند، در سنگسر سمنان - این مصرع و این ترجیع در نوزادخوانی‌ها آمده است. در بعضی از این شعرها، جای مصرع عوض می‌شود.

۱۹ - برای آگاهی از آیین‌های تکم گردانی و نیز متن کامل ترانه بنگرید به: جابر عناصری، مجله هنر و مردم، ش ۵۳-۵۴، نیز: ترانه و ترانه‌سرایی در ایران، همان، ص ۲۶۲-۲۶۳.

۲۰ - متن کامل و آوانویسی شده این ترانه را در: عقاید و رسوم مردم خراسان، ابراهیم شکورزاده، سروش، ۱۳۶۳، ص ۴۳۹-۴۴۰ بخوانید.

۲۱ - ترانه‌های محلی فارس، صص ۴۲ و ۴۵ /

۲۲ - لالایی کرمانی، نقل از: فرهنگ اصطلاحات کرمان، محمدمتقی واعظ، ۱۳۵۲، ص ۱۹۲.

۲۳ - نقل ترانه از: ترانه و ترانه‌سرایی در ایران، همان، ص ۱۹۲.

۲۴ - نقل ترانه از: عقاید و رسوم مردم خراسان، همان، ص ۱۵۸.

۲۵ - ابوالقاسم فقیری: بازی‌های محلی فارس، اداره کل فرهنگ و هنر فارس، ۱۳۵۳.

۲۶ - عقاید و رسوم مردم خراسان، همان، ص ۱۹۵.